

## انترناسیونال

دوره دوم  
۱۲اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

سه شنبه، ۱۱ فروردین ۱۳۸۳

۳۰ مارس ۲۰۰۴

هر سه شنبه و جمعه منتشر میشود

سردبیر: فاتح بهرامی

anternasional@yahoo.com

Fax: 001-519 461 3416

رویدادهای مهم ایران در سالی که گذشت صفحه ۳	جهان متمدن باید علیه تروریسم بپای خیزد! صفحه ۴	طول موج جدید رادیو انترناسیونال ۲۱ متر برابر با ۱۳۸۰۰ کیلو هرتز صفحه ۴	در حاشیه رویدادها سفر ماندلا/ شکنجه گاه آرژانتین صفحه ۴
---	---	--	--

## اولویتها و جهت گیریها

پلاتفرمی برای رهبری

حزب کمونیست کارگری ایران



## گامی بسوی روشهای فعالیت اجتماعی و مدرن

نقدی به روش مقاله خوانی در تجمعات

اسد گلچینی

حمید تقوایی

مقدمه:

شرایط انقلابی و پرتحول جامعه حضور و فعالیت و دخالتگری گسترده حزب در تحولات جاری را به يك امر عاجل و حیاتی تبدیل کرده است. انقلابی که در ایران در حال شکل گرفتن است میتواند و باید با سرنگونی جمهوری اسلامی و تصرف قدرت سیاسی بوسیله حزب کمونیست کارگری به پیروزی برسد. راه رسیدن به این پیروزی را باید گام بگام هموار کرد و پلاتفرم حاضر این گامهای عملی را تعیین و تعریف میکند. تحقق پیگیر و همه جانبه این وظایف راه پیروزی حزب ما و انقلاب آتی در ایران است.

## پلاتفرم رهبری حزب:

۱- تقویت موقعیت حزب به عنوان نماینده و سخنگو و نیروی سازماندهنده و رهبری کننده جنبش انقلابی مردم علیه جمهوری اسلامی بر مبنای قطعنامه ها و بیانیه های مصوب کنگره چهارم و اسناد کنگره های دوم و سوم حزب.

۲- گسترش و تقویت حضور سیاسی، تبلیغی و سازمانی حزب در داخل کشور. تدوین نقشه عملهای معین برای کمیته داخل کشور با توجه به موقعیت امروزی حزب و توازن قوای کنونی.

۳- پیگیری، پیشروی بیشتر، و اجرای هر چه جامع تر سیاستهای مختلف منتج از مبحث حزب و جامعه: شفافیت و گشایش حزب بر روی جامعه، حضور هر چه وسیعتر شخصیتها و چهره های شناخته شده کمونیست در صحنه مبارزه اجتماعی، رشد دخالتگری حزب در کلیه کشمکشها و جدلهای سیاسی بر سر آزادی و برابری و رفاه اجتماعی. قد علم کردن حزب به مشابه يك نیروی رهبر کل جامعه، حضور حزب در نبرد هر روزه بر سر افکار و کردار سیاسی توده های وسیع مردم. سازماندهی و شکل و هویت اجتماعی دادن به گرایش رادیکال سوسیالیستی (رهبران عملی، کمپینها و تشکلهای توده ای) در جنبش کارگری و در مبارزات بخشهای دیگر جامعه.

صفحه ۲

و دانشجویان در چنین فضای مبارزه جویی و رادیکال کنونی بیش از پیش به اتخاذ روشهای متناسب با این هدف نیازمندند. در این زمینه، از سویی خفقان و استبداد و از سویی روشهای فعالیتی چپ سنتی در ایران هنوز بر دست و پای ما سنگینی میکنند. به نقد اینها باید پردازیم. اینجا به یکی از این مسایل میپردازیم.

صفحه ۲

جنبش ها و کار همه ما کمونیستها در داخل کشور بوجود می آورد. وجود شخصیتها و رهبران کمونیست که رهبری مبارزه برای زندگی بهتری را در دستور دارند و در همه عرصه های کار و زندگی در صف مقدم قرار گرفته باشند، از ملزومات انقلابی است که ما باید سازمانده آن باشیم. فعالین و رهبران جنبش برای سرنگونی رژیم و جنبش های کارگری و زنان و مبارزات جوانان

مبارزه مردم برای سرنگونی حکومت اسلامی ابعاد توده ای و رادیکالتری بخود گرفته است. قرار گرفتن در راس این مبارزات و رهبری آن بوسیله رهبران رادیکال و کمونیست و تبدیل شدن این رهبران به چهره های شناخته شده اجتماعی يك سیاست تعریف شده امروز حزب کمونیست کارگریست. این امر به نوبه خود تحولی بزرگ در روشهای کار تاکنونی در این

## معلمان اولتیماتوم به

## اعتصاب دادند

خبر اعتصاب معلمان را به اطلاع کل جامعه برسانید

شهلا دانشفر



آموزش و پرورش تجمع کرده و خواستهای خود را پیگیری کنند. همچنین در روزهای ۱۵ تا ۱۷ اردیبهشت از رفتن به کلاسهای درس خودداری کرده و در دفاتر

صفحه ۳

داده نشده، بار دیگر از تاریخ ۱۳ تا ۱۷ اردیبهشت دست به اعتصابی سراسری خواهند زد. طبق گزارشات، معلمان تصمیم دارند که در روزهای ۱۳ و ۱۴ اردیبهشت در تهران و در تمام شهرستانها در مقابل مراکز

معلمان بدنبال یک هفته اعتصاب سراسری و قدرتمند در ۱۶ اسفند بار دیگر اولتیماتوم به اعتصابی سراسری در اردیبهشت ماه داده اند. معلمان اعلام کرده اند که با توجه به اینکه تاکنون به هیچ کدام از خواستههایشان پاسخی

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## از صفحه ۱ اولویتها و جهت گیریها

از صفحه ۱

## گامی بسوی روشهای فعالیت اجتماعی و مدرن

## مقاله خوانی یا سخنرانی؟

در تجمع ها و مراسم هایی در میان کارگران و یا دانشجویان و جوانان و یا در محافل نه چندان کوچک فعالین در ایران، وقتی نوبت به بحث های سیاسی و اجتماعی میرسد مقاله خواندن به نسبت هر بحث و هر سخنرانی خیلی مهم تر میشود. مقاله خواندن جایگاه ویژه ای پیدا کرده و اصولا به يك سنت و عادت قوی تبدیل شده است. خواندن مقالات آن محوری است که همه به آن فکر میکنند و یا مقالاتشان را آماده میکنند، و یا بر گرفته میشوند تا خوانده شود، حال ممکن است خود نویسنده آنرا بخواند و یا بهر دلیل دیگری به کس دیگری داده شود که قرائت کند.

آیا این روش مناسبی است؟ آیا همه کسانی که در این جمع ها حضور بهم میرسند بعد از شنیدن این مقالات کاری باید بکنند؟ با کسی باید مخالف یا موافق باشند؟ چیزی از جلسه و مقاله گرفته اند که بروند انجام دهند؟ میدانند صاحب مقاله کیست؟ ...

مقاله خوانی شاید کار بدی نباشد و شاید همیشه و در هر تجمع و مراسمی و در هر جمع و محفلی نوشته ها و مقالاتی باشد که لازم است خوانده شود و یا بویژه در محافل ترویجی مقالاتی خوانده و به بحث گذاشته شود. اما نه سابقا و نه بخصوص الان و در شرایط کنونی اوضاع سیاسی ایران، این روش سنتی که اکنون در میان جمع ها و در مراسم هایی که اشاره کردم وجود دارد، مناسب نیست و جوابگوی این اوضاع هم نیست.

به نظر من این روش خوبی نیست، اجتماعی نیست، اهداف و نتایج بشدت محدودی دارد و مهمتر از همه رهبرانی در این روش هیچگاه نمایان نمیشوند و انگار هر کارگر و هر جوان و هر زن و معلمی که بخواهد با نظرات و دیدگاههایش،

جمعیتی را رهبری کند باید از فیلتر مقاله خوانی بیرون بیاید. این روش نمیتواند روش ما باشد و با کار رهبران و فعالینی که میخواهند جامعه را رهبری کنند خوانایی ندارد.

## سخنرانی را جایگزین کنیم

در سخنرانی، حال در هر جمعی باشد، سخنران میخواهد ایده ها و نظرات و بحثش را با کسانی که در همان جا هستند در میان بگذارد. همه حاضرین او را میشناسند و میدانند چه کسی است و چه سابقه ای دارد. چشم در چشم و رو در رو میخواهد نظراتش را در میان بگذارد، میخواهد به مخاطبینش بگوید که مثل او بیندیشند و به فراخوانش و به نکات مهمی که میگوید توجه کنند، از مخاطبین طلب حرکت کردن به سوی آنچه که سخنران میخواهد را دارد و غیره.

در سخنرانی هم نظر کردن، اعتماد جلب کردن، رهبر عده ای شدن و اتوریته شدن وجود دارد، اما مقاله خوانی اینها را در بر ندارد. مقاله خوانی و نمیتواند به سمت پیشبرد اهداف اجتماعی و سیاسی قدمی بردارد. در حالی که آماده شدن برای سخنرانی کاری در سطح رهبری و تصمیم برای رهبری جامعه است در هر سطحی که هستیم. سنت ما و روش ما این یکی است، در این فعالیت رهبرانی که برای محیط های خود یا همه مردم شناخته شده اند میتوانند بوجود بیایند و با کالیبرهای متفاوت به نمایندند و سخنگو و رهبر اعتراض و خواستهای مردم بدل شوند و مورد اعتماد مردم بشوند و در اینصورت در مقابل فشار رژیم هم مورد حمایت و پشتیبانی قرار می گیرند.

چهره های شناخته شده را رژیم به آسانی نمی تواند سر به نیست کند اما فعالین ناشناخته محافل را که واقعا ممکن است مهم هم باشند خیلی راحت میتواند دستگیر کند و

یا از بین ببرد و کسی هم صدایش در نیاید.

مشکلی که غالبا مانع این روش کار است، سنت، عادت و رفتاری است که از چپ سابق و حاشیه ای ایران بجا مانده است.

مخفی کاری از يك طرف و "اصولگرایی" از طرف دیگر هر دو از اجزای فعالیتی و رفتاری این چپ بوده اند که هر کسی در مدار آن قرار میگیرد "مسموم" میشود. گویا اگر کسی برود و سخنرانی کند "سوتی" میدهد، خارج از "اصول" میزند و "با حرفهای آبرویمان را میبرد" و...

اما در سنت ما اینها جایی ندارد. کسی که تصمیم گرفته است برای اعتراض و مبارزه ای یا پیش بگذارد، میتواند حرفش را هم با دیگران در میان بگذارد و بطور قطع هر بار و بعد از هر سخنرانی کارش بهتر و بهتر خواهد شد. تصور کنیم اگر رادیو انترناسیونال، تلویزیون انترناسیونال و تلویزیون علی جوادی و سخنرانهای رهبران و کادر های حزیها در همه جا بصورت مقاله خوانی و خواندن مقالات بود (حتی اگر بهترین مقالات هم میبود) چه تولیدات بدی به جامعه و به مخاطبانمان میدادیم و چه اندازه خسته کننده میبود، در حالی که

کاملا بر عکس است و حزب و رهبران حزب با این روش و رو در رو و زنده با مردم و مخاطبان خود سخن میگویند و سنت و روش کمونیسم کارگری در این مورد هم به این شکل بوده است.

جنبش کمونیسم کارگری نیاز به صف بسیار بزرگی از رهبران و فعالین شناخته شده اعتراضات کارگران و جوانان و زنان و معلمان در جامعه ایران دارد. رهبرانی که تصمیم می گیرند در بطن همان اجتماع و با تکیه بر همان مردمی که آنها را قبول دارند، دوستشان دارند و رهبریشان را قبول کرده اند، جنبش سرنگونی طلبی را رهبری و به سرانجام برسانند. \*

۴- ایجاد مکانیسمهای سیاسی و تشکیلاتی برای تقویت اتحاد و انسجام حزب. حفظ و تقویت اتحاد حزب يك هدف در خود رهبری است.

۵- تبلیغ و توده گیر کردن شعار جمهوری سوسیالیستی بعنوان حکومتی که باید با سرنگونی رژیم اسلامی برقرار شود.

۶- تقویت و گسترش نفوذ و حضور حزب بعنوان پرچمدار و سخنگوی طبقه کارگر و برنامه و مطالبات کارگری در صحنه مبارزات جاری ایران.

۷- اجرای پیگیرانه پروژه تلویزیون و رادیوی ۲۴ ساعته و تضمین ادامه کاری آن.

۸- تقویت وضعیت مالی حزب از طریق به اجرا گذاشتن و پیگیری طرح مرکزی کسب در آمد، و اجرای پروژه های مختلف مالی در خارج کشور.

۹- تضمین حضور قدرتمند حزب و تقویت و گسترش فعالیتهای حزب در عرصه های مختلف مبارزه در خارج کشور. تقویت حزیبت و مناسبات و روابط و سنتهای حزبی. تبدیل و تثبیت کار روتین حزبی به يك رکن تعطیل ناپذیر فعالیت حزبی در خارج کشور. اجرا و پیگیری اسناد مربوط به مدرنیزه کردن ساختارها و متابولیسیم اداری و اجرایی حزب و مقررات و روشهای تعریف شده و لازم الاجرا در قلمروهای مختلف کار تشکیلاتی. ایجاد يك ماشین قدرتمند و يك موجودیت قوام گرفته حزبی.

۱۰- تدوین و اجرای نقشه عملهای تشکیلاتی، سیاسی و نظامی در رابطه با فعالیتهای حزب در کردستان. گسترش بیشتر فعالیت سیاسی و تشکیلاتی و تامین حضور مسلحانه قوی و ایجاد پتانسیل گسترش نظامی سریع حزب در کردستان.

۱۱- شکل دادن به يك شالوده کادری قوی مارکسیست و مجرب در حزب.

۱۲- تدوین و اجرای پیگیر برنامه آموزشی مارکسیستی در تشکیلاتهای حزبی بر مبنای متون کلاسیک و آثار منصور حکمت و تاریخچه نظری و عملی جنبش و حزب کمونیست کارگری.

۱۳- نزدیکی و همکاری بیشتر با حزب کمونیست کارگری عراق بویژه در رابطه با موقعیت خطیر و منحصر بفره این حزب در اوضاع پر تحول عراق.

۱۴- ایفای نقش حزب بعنوان سخنگو و پرچمدار عروج مجدد مارکسیسم در سطح بین المللی.

۱۵- دامن زدن به و حضور فعال در جنبش بین المللی علیه سیاستهای میلیتاریستی آمریکا و متحدینش از یکسو و علیه اسلام سیاسی از سوی دیگر بر مبنای اسناد "طلوع خونین نظم نوین جهانی" و مقالات "دنیا پس از ۱۱ سپتامبر" منصور حکمت.

۱۶- ایجاد روابط گسترده و محکم با بخشهای مختلف طبقه کارگر جهانی. تلاش برای ایجاد وسیعترین همبستگی عملی متقابل میان کارگران ایران و سایر کشورها.

۱۷- انتشار منظم نشریه سیاسی - تئوریک "بسوی سوسیالیسم، دوره سوم". \*

## یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمونیست کارگری  
را بخوانید!

## رویدادهای مهم ایران در سالی که گذشت

شهلا دانشفر

سال گذشته در ایران سالی پر جنب و جوش بود. جنبش اعتراضی علیه جمهوری اسلامی وارد مرحله دیگری شد. در همان آغاز در ۲۷ فروردین سال گذشته ما شاهد تظاهرات هزاران نفره کارگران نساجی چیت بهشهر و به حرکت در آمدن شهر بهشهر در حمایت از این اعتراض بودیم. ما همچنین اول ماه مه را در سال ۸۲ داشتیم که مراسم های مستقل کارگری و با شکوه در تهران و شهرهای دیگر بر پا شد.

در سال گذشته در همه بخش های جامعه در میان کارگران، معلمان، و در دانشگاه شاهد بیشترین جنب و جوش ها و اعتراضات بودیم. معلمان از همان آغاز سال برای پیگیری خواستههایشان دست به اعتراض زدند و این اعتراضات بطور متوالی تا آخر سال ادامه داشت. ما شاهد اعتصاب سراسری معلمان در ۱۳ اردیبهشت، در روز جهانی معلم در ۱۳ مهرماه و در آبانماه و در اسفند ماه بودیم. در اسفند ماه یکپارچه اعتصاب قدرتمند و یکپارچه معلمان الگویی از اعتصاب سراسری را در مقابل کل جامعه قرار داد.

۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر ۸۲ دور جدیدی از جنبش سرنگونی شروع شد و انقلاب مردم علیه نظام اسلامی يك گام به جلو برداشت و سمت و سوی تحولات در ایران سمت و سوی انقلاب یافت.

همچنین اهدای جایزه صلح نوبل به شیرین عبادی در مهرماه گذشته سروصدای زیادی بر پا کرد. اهدای جایزه صلح به شیرین عبادی بیانگر سیاست دول اروپایی در قبال تحولات سیاسی ایران بود. واقعیت اینست که دورنمای يك انقلاب رادیکال و زیر و رو کننده در ایران دول اروپایی را به اتخاذ این سیاست فعال و نقشه مند در قبال ایران

کشید. اما دیدیم مردم از شیرین عبادی نیز عبور کردند. در رویدادهای مهم سال گذشته جشن ها، فستیوالها و میتینگهای اعتراضی در سنجند جایگاه مهمی داشت. فستیوال آدمک های برفی، میتینگ در دفاع از حقوق زنان و کودکان و در نفي خشونت، برپایی ۸ مارس چند هزار نفره در این شهر همه و همه جلوه هایی از رادیکالیسم و مدرنیسم جامعه را منعکس میکرد.

پدیده جالب دیگر در سال ۸۲ مراسم ۱۶ آذر در دانشگاه و بلند کردن پلاکارد آزادی، برابری و پلاکارد حمایت از کارگران پتروشیمی و اعتصاب کارگران بود. این نشانگر قرار گرفتن انتظارات جامعه از طبقه کارگر بود. نشانگر این بود که توجه جامعه بسوی کارگران و نقش این طبقه جلب شده است. ما در سال ۸۲ بیش از ۴ ماه اعتصاب و اعتراض کارگران پتروشیمی و بخش های دیگر وابسته به نفت را داشتیم. که از ۵ آبانماه شروع شد و هنوز این اعتراضات به اشکال مختلف ادامه دارد و اخیرا کارگران پتروشیمی تبریز اولتیماتوم به اعتصاب دادند.

يك اتفاق مهم در سال گذشته که امروز بر ذهن هر کس سنگینی میکند زلزله بم بود. در ۱۱ دی واقعه ناگوار زلزله بم روی داد و هزاران کشته و زخمی به جا گذاشت. زلزله بم تراژدی ای انسانی بود که هنوز عواقب پابرجاست، ناپدید شدن ۲۱۰۰۰ دانش آموز و بی خانمان شدن مردمی که از این زلزله جانی سالم به در بردند، جمهوری اسلامی مسبب این همه کشته و این تراژدی بزرگ انسانی بود.

اتفاق مهم سیاسی دیگر در سال ۸۲ تیراندازی به صف اعتراض کارگران در خاتون آباد و شهر بابک بود. این اتفاق جدیدی بود و فصل

جدیدی از مبارزه در برابر طبقه کارگر و کل جامعه گشود. در برابر این تهاجم حمایت ها و پیام های همبستگی وسیعی سرازیر شد. همبستگی مبارزاتی ای که شروع آن در ۱۶ آذر در حمایت از کارگران پتروشیمی و اعتصابات کارگری بوقوع پیوست و بعد از کشتار کارگران در خاتون آباد شاهد پیامهای همبستگی کارگران از کارخانجات دیگر بودیم. نمونه برجسته این همبستگی ها اجتماع بزرگ مردم سنجند در آبیپر و کانی شفا در حمایت از خاتون آباد در ۲۴ بهمن ماه بود.

مضحکه انتخابات جمهوری اسلامی نیز یکی از سر تیتتر های مهم رویدادهای سال گذشته بود که شکست مفتضحانه جمهوری اسلامی را به دنبال داشت. انتخابات پایان یافت اما بحرانی عمیق تر در حکومت اسلامی و کشمکش های سیاسی و اجتماعی گسترده تر در جامعه شروع شد. انتخابات در همه شهر ها در اصفهان، سمیرم، دهدشت، فیروزآباد، نهاوند، نیشابور، شهرهای کردستان و در همه جا به صحنه اعتراض و تجمعات علیه جمهوری اسلامی تبدیل شد. از جمله در ۲ اسفند ماه مردم ایذه به بهانه انتخابات به خیابانها ریختند و علیه جمهوری اسلامی شعار دادند. شهر به قیام در آمد و جمهوری اسلامی به دستگیری و حکومت نظامی در شهر پرداخت. اما مردم ایستادند و ما شاهد پیاپهای همبستگی از سوی مردم در شهرهای دیگر با مردم ایذه بودیم.

سر انجام در این روزهای آخر سال ما شاهد تظاهراتهای هزاران نفره مردم علیه جمهوری اسلامی و قیامهای شهری و غیره بودیم. در ۹ اسفند تظاهرات ۹ هزار نفری بوکان علیه جمهوری اسلامی اتفاق افتاد، در ۱۲ اسفند به بهانه مراسم محرم راهپیمایی با شمع در میدان محسنی و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، روی داد، در ۱۶ اسفند تظاهرات قدرتمند مردم دماوند در اعتراض به طرح انتقال بیمارستان

شهر از دماوند به گیلان بوقوع پیوست و در ۱۸ اسفند تظاهرات ۵۰ هزار نفره مردم در مریوان با شعار علیه جمهوری اسلامی برپا شد. روزهایی که مردم از هر فرصتی و هر بهانه برای اعتراض علیه جمهوری استفاده کرده و دست به اعتراض میزنند.

۸ مارس در سال گذشته نیز در تهران و سنجند و قزوین و مشهد و دیگر شهرها با شکوه برگزار شد. در این روز حکم بر پایان آپارتاید جنسی و بر فرودستی زنان داده شد. در سنجند مردم در اجتماعی چندهزار نفره این روز را گرامیداشتند و در قطعه نامه خود آپارتاید جنسی را محکوم کرده و به حمایت از کارگران خاتون آباد و حمایت از اعتصاب معلمان پرداختند.

در ۲۲ اسفند مردم فریدون کنار شهر را تحت کنترل خود در آوردند و شاهد سه روز اعتراض و مبارزه در این شهر بودیم. این خبر انعکاس وسیعی در سراسر ایران داشت.

و بالاخره چهارشنبه سوری امسال در فضای ملتهد کشور، با آمدن میلیونها نفر به خیابانها به نمایشی از قدرتمندی مردم در مقابل رژیم درمانده جمهوری اسلامی تبدیل شد. در شهرهای مختلف در محلات و خیابانها و در مراکز اصلی شهرها، مردم از بزرگ و کوچک و بخصوص جوانان بدون آنکه بیمی از حضور نیروهای رژیم از

مدارس به تحصن خواهند نشست. با اعلام این خبر معلمان از همه بخش های جامعه، از کارگران، دانشجویان و بویژه دانش آموزان خواهان حمایت و پشتیبانی شده و از همه رسانه ها و نهادهای آزادیخواه خواسته اند که این خبر را به اطلاع مردم هر چه وسیعتری برسانند و اخبار اعتراضات آنها را در روزنامه ها و سایتهای خود درج کنند.

باید با تمام قوا از اعتصاب معلمان حمایت کرد. اعتصاب سراسری ۱۶ اسفند معلمان و حمایت وسیع دانش آموزان و مردم از اعتصاب آنان انعکاس وسیعی در کل جامعه داشت و بر فضای سیاسی کل جامعه تاثیر گذاشت. این بار نیز با حمایت هر چه گسترده تر خود باید معلمان را در برپایی اعتراضی هر چه قدرتمند تر یاری

خود نشان دهند، قوانین و ارزشهای پوسیده رژیم را زیر پا گذاشتند، زنان و دختران روسریهای تمحیلی را بدور انداختند، دختر و پسر با یکدیگر رقصيدند و مامورین انتظامی را فراری دادند. در روزهای آخر سال در حالیکه اعتراض در همه بخش های جامعه بالا گرفته بود، خامنه ای فتوای ممنوعیت اعتصاب داد. اما روز بعد کارگران در لوله سازی اهواز و نساجی رحیم زاده در اصفهان و در نساجی کاشان و غیره بیرون آمدند و جاده را بستند و دست به اعتراض زدند. امروز همه چیز حاکی از استیصال رژیم در برابر جنبش اعتراضی مردم است. رژیم بیش از هر وقت ضعیف و ناتوان است، در سطح بین المللی منزوی است، صفوف آن متشتت تر از همیشه است. هم اکنون جمهوری اسلامی در محاصره اعتراض مردم قرار گرفته است. در همه جا جشن نوروز به جشن مبارزه برای آزادی، و علیه جمهوری اسلامی و جشن شادی و بالاخره چهارشنبه سوری تبدیل شد. سال ۸۳ در حالی آغاز شد که جوانان، زنان و مردم در خیابانها بودند و امروز اعتراض همه بخش های جامعه را فرا گرفته است. سال ۸۳ با عزم و اراده مردم و گسترش اعتراضاتشان میتواند سال به زیر کشیدن جمهوری اسلامی، سال پیروزی و سال تحقق آزادی و برابری و رفاه برای کل جامعه باشد. \*

### از صفحه ۱ معلمان اولتیماتوم به اعتصاب دادند

مدارس به تحصن خواهند نشست. با اعلام این خبر معلمان از همه بخش های جامعه، از کارگران، دانشجویان و بویژه دانش آموزان خواهان حمایت و پشتیبانی شده و از همه رسانه ها و نهادهای آزادیخواه خواسته اند که این خبر را به اطلاع مردم هر چه وسیعتری برسانند و اخبار اعتراضات آنها را در روزنامه ها و سایتهای خود درج کنند. باید با تمام قوا از اعتصاب معلمان حمایت کرد. اعتصاب سراسری ۱۶ اسفند معلمان و حمایت وسیع دانش آموزان و مردم از اعتصاب آنان انعکاس وسیعی در کل جامعه داشت و بر فضای سیاسی کل جامعه تاثیر گذاشت. این بار نیز با حمایت هر چه گسترده تر خود باید معلمان را در برپایی اعتراضی هر چه قدرتمند تر یاری

**مرگ بر جمهوری اسلامی!**  
**زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

## جهان متمدن باید علیه تروریسم بپاخیزد!

"نه به تروریسم شارون، نه به تروریسم اسلامی"

ترور احمد یاسین رهبر حماس توسط دولت اسرائیل، مسابقه تروریستی در منطقه و جهان را تشدید میکند. ترور احمد یاسین به اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی جان تازه میدهد، ناامنی در خاور میانه و در چهار گوشه جهان را گسترش میدهد و به تروریزه کردن بیشتر محیط زندگی شهروندان منجر میشود. اظهارات دولت اسرائیل و تصمیم کابینه آن در روز سه شنبه مبنی بر ترور کلیه رهبران حماس، و همینطور اعلام گسترش جهاد و ترور اسلامی توسط حماس و جریان‌های متفرقه اسلام سیاسی، کابوس هولناکی را در مقابل مردمی که قربانی این مسابقه تروریستی هستند قرار میدهد. جهان متمدن باید قاطعانه و متحد علیه هر دوسوی این جدال کثیف تروریستی قد علم کند.

نه شارون فاشیست و تروریسم دولتی اسرائیل تمایلات مردم اسرائیل را نمایندگی میکند و نه حماس و جهاد اسلامی سر سوزنی به امر آزادی و رهائی مردم فلسطین ربط دارند. راست افراطی در اسرائیل و تروریسم اسلامی در فلسطین دو روی یک واقعیت سیاه و خونین اند. نه شهروندان اسرائیل که در دیسکو و رستوران و ایستگاه اتوبوس قربانی تروریسم اسلامی میشوند و نه کودکان و مردم محروم فلسطین که هر روز قربانی تروریسم دولتی اسرائیل میشوند، منفعتی در این جنگ ندارند. هم مردم فلسطین و هم مردم اسرائیل خواهان یک صلح

### اطلاعیه

## طول موج جدید رادیو انترناسیونال

## ۲۱ متر برابر با ۱۳۸۰۰ کیلوهرتز

برنامه های رادیو انترناسیونال از روز دوشنبه ۱۰ فروردین ۱۳۸۳ (۲۹ مارس ۲۰۰۴) ساعت ۹ شب به وقت تهران، روی طول موج ۲۱ متر برابر با ۱۳۸۰۰ کیلوهرتز، پخش میشود.

لطفا طول موج جدید رادیو انترناسیونال را به اطلاع عموم برسانید و کیفیت صدای رادیو را در

این طول موج به ما اطلاع دهید.  
تلفنهای تماس:  
۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹ و  
۰۰۴۶۷۰۷۶۵ ۶۳۶۲  
پیامگیر: ۰۰۴۶۸۶۵۹۰۷۵۵  
ای.میل:  
radio7520@yahoo.com  
مدیر رادیو انترناسیونال،  
سیاوش دانشور  
۱۰ فروردین ۱۳۸۳

## در حاشیه رویدادها

کاظم نیکخواه



### سفر نلسون ماندلا به ایران لغو شد

سفر نلسون ماندلا به تهران که قرار بود روز شنبه هشت فروردین برابر با ۲۷ مارس صورت گیرد، لغو شد. پیش از اعلام لغو سفر، طرفداران هر دو جناح حکومت اسلامی تلاشی گسترده را برای اینکه از این سفر متاعی برای دفاع از حکومتشان بسازند به جریان انداختند. خاتمی قرار بود نشان افتخار به ماندلا بدهد و همین دوم خردادها را به وجد آورده بود که گویا ماندلا به ایران میروید تا اعتراضی به حذف اصلاح طلبان حکومتی ابراز کند. و از سوی دیگر نفس سفر او به ایران و ملاقات با مقامات رسمی حکومتی قرار بود به اهرمی برای بیرون کشیدن حکومت اسلامی از انزوای بین المللی اش تبدیل شود. عجاتا هر دو طرف این هیاهو کف شده اند. این که دلیل واقعی لغو سفر ماندلا و ملاقات با سران جمهوری اسلامی چیست و این سفر بعدا انجام خواهد گرفت یا نه، چندان مهم نیست. برای مردم ایران و مردم شریف جهان که حکومت اسلامی را به حق یک حکومت منفور و متحجر و ضد انسانی میشناسند، دست دادن با جلادان اسلامی از جانب هر کس که صورت گیرد عملا یک دهن کجی آشکار به انسانیت و به مردمی است که ۲۵ سال است زندگی و حرمت و امنیت و حقوق انسانی شان توسط این جنایت قربانی شده است. این مردم با چنگ و دندان در تلاش به زیر کشیدن کل این حکومتند و قطعا دیگر هیچ چیز و هیچکس نمیتواند این حکومت را نجات دهد و جشن و شادی مدافعان جناحهای حکومتی نیز از این نظر بی پایه است. اما شخصیت خوش نامی چون ماندلا اگر تماما دور این سفر را خط نکشیده باشد و بخواهد با سران حکومت توحش اسلامی آنها درست در شرایط گسترش یک جنبش انقلابی توده ای دست دهد و ملاقات کند، بخشی از همان وجهه بین المللی خویش را بناگزیر بباد

غیر نظامی بعدی همگی در برابر خواست بحق و مشروع محاکمه قاتلین و شکنجه گران کارشکنی و ایستادگی کرده اند. مادران پلازا که يك جنبش آزادی طلبی است به طرق مختلف مدام افشا کرده است که نظامیان دوران حکومت نظامی عملا در حکومتهای غیر نظامی آرژانتین نیز اعمال نفوذ میکنند و مانع این میشوند که جلادان به دست عدالت سپرده شوند.

جنبش "مادران پلازا د مایو" جنبش آزادی طلبی مردم آرژانتین است. این مردم مدتهاست که اعتماد خود را به تمام "دولتهای دموکراتیک" و غیر نظامی نیز از دست داده اند. "کرشنر" رئیس جمهور جدید آرژانتین تاکنون رفتار متفاوتی از چند رئیس جمهور سلف خود نشان داده است. او قانون لغو مصونیت نظامیان را به مجلس داد و به تصویب رساند، برای اولین بار رسماً به این واقعیت که نظامیان دهها هزار تن از عزیزان مردم را شکنجه و سر به نیست کرده اند اعتراف کرد و از مردم عذر خواهی نمود، بسیاری از افسران و ژنرالهای ارتش و پلیس دوران حکومت نظامی را باز نشست نمود و وعده داد که موانعی که بر سر راه محاکمه نظامیان شکنجه گر ایجاد شده را بردارد.

اما مردم آرژانتین ۲۳ سال است مبارزه کرده اند و وعده شنیده اند. به همین دلیل رئیس جمهور جدید نیز با علامت سوال بزرگی بالای سر خویش، با فشار ماشین نظامی، و با وجود يك بحران اقتصادی دامنه دار، باید تلاش کند در عمل اعتماد مردم را جلب کند. برای رئیس جمهور آرژانتین انجام چنین وظیفه ای کار بسیار دشواری است. نظامیان آرژانتین يك قشر قدرتمند و صاحب نفوذ در سیستم اقتصادی و سیاسی آرژانتین هستند و بدون دست بردن به کل این سیستم غیر ممکن است کسی بتواند به خواست بحق مردم آرژانتین مبنی بر محاکمه عادلانه تمام سران و طراحان و شکنجه گران دوران حکومت نظامی پاسخی همه جانبه و قانع کننده بدهد.\*

### شکنجه گاه نظامیان آرژانتین به موزه تبدیل میشود

۲۴ مارس در آرژانتین بعنوان روز قربانیان حکومت نظامی تعیین شده است. در مراسم امسال که چند روز پیش صورت گرفت رئیس جمهور جدید این کشور "کرشنر" نیز برای اولین بار شرکت کرده بود. او پیش از این نیز بهرمان چند تن از شکنجه شدگان دوران حکومت نظامی به شکنجه گاه "امسا" پا گذاشت و ناچار شد این شرط را که هیچ نظامی و یونیفورم پوشی نباید به استقبال او بیاید، گردن بگذارد. در رأس مبارزه برای معرفی و محاکمه شکنجه گران دوران حکومت نظامی، جنبشی قرار دارد که نام آن را "مادران پلازا د مایو" گذاشته اند. "پلازا د مایو" نام میدان بزرگی است که در نزدیکی کاخ ریاست جمهوری قرار دارد و ۲۸ سال است هرروز مادران و بستگان قربانیان شکنجه و مفقود شدگان دوران دیکتاتوری نظامی در این میدان جمع میشوند و با شعار و سخنرانی و حمل پلاکاردها و غیره خواهان معرفی و محاکمه قاتلین عزیزان خود میشوند. این جنبش اکنون طی این سالها قدرت عظیمی یافته است و دهها حقوقدان و شمار زیادی سازمانهای مدافع حقوق بشر با آن کار میکنند. حکومت نظامیان از سال ۱۹۷۶ تا سال ۱۹۸۳ در آرژانتین بر سر کار بود و در شکنجه گاه مخوف "امسا" که در زیر کازینوی پرشکوه افسران قرار دارد، بیش از ۳۰ هزار نفر از کمونیستها و رهبران کارگری و مخالفین را وحشیانه شکنجه کرد و بی نام و نشان سر به نیست کرد. حکومت نظامیان در سال ۸۳ یعنی ۲۱ سال پیش به پایان رسید اما حکومتهای

Tel: 0044-779-1130-707

Fax: 0044-870-135-1338

Email: markazi@ukonline.co.uk

دفتر مرکزی حزب